وکیل شرق

تشخیص پزشک یا قاضی

سعید دهقان

ک . مهرآزما: پدر اینجانب به جرم در معرض فروش قرار دادن مواد مخدر (تریاک) در دادگاه محاکمه و بدون حق دفاع و بدون حق اعتراض یا تجدیدنظر به چهار سال زندان و مبلغی جریمه نقدی محکوم شد. وی با ۶۳ سال سن، بازنشسته دولت بوده و هیچ گونه سابقه قبلی ندارد. همچنین به ناراحتی شدید قلبی و ریوی مبتلا است. پزشکی قانونی با احضار بیمار و معاینه و تشکیل کمیسیون تخصصی، رسماً و کتباً به قاضی ناظر اعلام کرد که این بیمار تحمل کیفر حبس را ندارد و حضورش در محیط زندان برای سلامتی وی مناسب نیست. قاضی ناظر اقدام به ارسال نظر برای قاضی صادرکننده حکم کرد. قاضی صادرکننده حکم بدون توجه به نظر پزشکی قانونی، با نظر قاضی ناظر [قانون آیین دادرسی کیفری] موافقت نکرده و حکم به بازگشت به زندان داده است. اکنون نیز وی تحت مراقبت شدید پزشکی بوده و قادر به بازگشت به زندان نیست و قاضی نیز نه تنها با درخواست پزشک معالج و تایید پزشک قانونی برای طول درمان و مرخصی موافقت نمی کند، بلکه این مدت حدود ۵ ماه را که با اطلاع خود قاضی و تودیع وثیقه تحت نظر پزشک و اکثراً در بیمارستان بوده را به عنوان غیبت غیرموجه از مرخصی محسوب نموده است. ما برای سلامتی پدر شدیداً نگرانیم. راه چاره چیست؟ منتظر پاسخ شما هستیم.

وکیل شرق: خروج زندانی از زندان به منظور معالجه – در مواردی که قانون اجازه داده است – فقط پس از بررسی و اظهارنظر مثبت «دادگاه صادرکننده رای» امکان پذیر است، نه مقامات زندان و یا قاضی ناظر زندان. بنابراین، وقتی – خوب یا بد – قرار باشد فقط با نظر رئیس همان دادگاه صادرکننده رای، ایام بیماری زندانی و مرخصی ایام معالجه به حساب آید، طبیعی است که نقض صریحی در قانون صورت نگرفته است؛ به خصوص زمانی که می بینیم حتی در همان ماده ۲۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، اجرای تشخیص پزشکی قانونی و پزشکی معتمد نیز موکول است به تایید و تشخیص دادگاه صادرکننده رای! در حال حاضر، مطابق ماده ۹۹ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها، احتیاجات بیمار زندانی را باید در زندان برطرف کرد و چنانچه بیماری محکوم شدید باشد (به گونه ای که امکان معالجه و درمان وی در درمانگاه زندان وجود نداشته باشد و یا تحمل حبس برای محکوم، موجب تشدید بیماری و یا تاخیر در بهبود وی شود) مراتب باید توسط مسئولین زندان یا قاضی ناظر زندان به قاضی اجرای احکام گزارش شود تا به دستور او شخص محکوم، به پزشکی قانونی یا پزشکی معتمد معرفی شود. در صورت تایید نتایج حاصله، نزد قاضی دادگاه صادرکننده حکم ارسال می شود و وی نیز پس از انجام بررسی های لازم، چنانچه شدت بیماری و مضر بودن ادامه حبس برای بهبودی را احراز کند، تامین لازم را از محکوم اخذ و دستور لازم برای معالجه محکوم در خارج از زندان را صادر می کند. ظاهراً اظهارنظر قاضی به واحد اجرای احکام ارسال و در صورت تودیع وثیقه و ترخیص، ایام مرخصی جزء محکومیت او به حساب نمی آید. پیشنهاد می کنم مسئله را از طریق انجمن دفاع از حقوق زندانیان پیگیری نمایید.

Vakilroaya@gmail.com

حقوق زن بدون انطباق با واقعیت بی ارزش است

جمال کریمی راد
وزیر دادگستری

جمال کریمی راد دادستان سابق دادسرای انتظامی قضات و وزیر کنونی دادگستری نوشتار مبسوطی را درباره حقوق زنان در قوانین ایران به رشته تحریر درآورده‌اند. از آنجا که قوانین ایران برگرفته از نظام اسلامی است وی ضمن اشاره‌ای به این بحث، به جایگاه حقوقی زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران که مبنی بر شرع مقدس اسلام است، پرداخته. موارد مختلفی که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته‌اند به ترتیب عبارتند از: حقوق زن در قانون اساسی، حقوق زن در قانون مدنی، حقوق زن در قوانین اجتماعی، حقوق زن در قوانین استخدامی، حقوق زن در قانون کار، حقوق زن در قوانین کیفری، حقوق زن در منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق زن در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و در نهایت برخی خلاءهای قانونی موثر در عدم تحقق حقوق فردی و اجتماعی زنان. آنچه در ذیل می خوانید بخش اول این نوشتار است. با ابراز امتنان از ارائه این مقاله به گروه حقوقی روزنامه شرق یادآور می شود بخش های دیگر این نوشتار نیز در همین صفحه به چاپ خواهد رسید.

■■■

بحث حقوق زن و مرد نه سال ها بلکه قرن ها است در کلیه محافل اعم از اسلامی و غیراسلامی مطرح بوده و پا به پای تاریخ و زمان پیش می رود. در طول تاریخ زن از دیدگاه‌های مختلف موضوع بحث نظریات افراطی بوده و هست و عده‌ای تفاوت‌های زن را از لحاظ اندام و جهات دیگر نشانه ناقص بودن او پنداشته‌اند و عده‌ای او را از هر دو حیث مساوی و مشابه مرد می دانند. باورهای نادرست در مقوله زن شبهه‌ای در اذهان ایجاد کرده که اسلام علی الخصوص نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برای زنان حقوقی کمتر از مردان قائل شده است. در این جهت تفکرات مادی به ویژه تفکر آزاداندیشی (لیبرالیستی) و تفکر طرفداری از زن (فمینیستی) با توجه به تمسک به باورهای ناصحیح، هجمه عظیمی علیه تفکر دینی مبتنی بر اسلام آغاز کرده و بعضاً با شعارهای فریبنده و نوشتار مغرضانه با تیترهای مختلف از جمله یک صد سال تلاش برای کسب حق شهروندی که خلاصه در عناوینی همچون حق حیات تا اجازه خروج از خانه تا شرکت در برنامه‌های دسته جمعی مانند اعتراضات دسته جمعی و اجازه تحصیل و حق رای و . . . و در حال حاضر عنوان رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان است که این هجمه ها متاسفانه در نسل جوان ما نیز موثر افتاده است.

درک و استنباط صحیح از موقعیت حقوقی و انسانی زن و مرد متوقف بر مطالعه بی طرفانه‌ای است که بر مبانی طبیعی و واقعی استوار باشد و با تحقیق و پژوهش می توان به رهیافت‌های مهم و مطلوب در تعامل سنت و تجدد رسید. زن و مرد دو موجود از موجودات الهی هستند که انسان نامیده می شوند و خداوند تبارک تعالی در کتاب خویش میان همه مخلوقات تنها به انسان لقب خلیفه‌الله داد و به هیچ روی فرقی بین زن و مرد در این جهات قائل نیست در تکلیف و انجام عمل صالح و پاداش آن تفاوتی بین زن و مرد نیست. همین خلیفه خدا یعنی انسان در صنف زن و مرد تشکیل شده و هر دو از گوهر واحدی آفریده شده‌اند. در جوهر و ماهیت یکسان و یگانه‌اند. اما تفاوتی بین آن دو وجود دارد که امری واضح و بدیهی است این تفاوت از مقتضیات جسمی و سرشت روانی آنان ناشی می شود. البته تفاوت‌های موجود بین آنها به معنای نقص یکی و کمال دیگری نیست بلکه به معنای تناسب است، یعنی قانون خلقت خواسته است با این تفاوت‌ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که برای زندگی مشترک آفریده شده‌اند به وجود آورد تا هر کس در مدار و جایگاه خویش راه کمال را طی کند. اگر زن دارای جسم، جان، خلق و خوی مردانه بود ممکن نبود که بتواند مرد را به خدمت خود درآورد و اگر مرد همان صفات جسمی و روانی زن را داشت محال بود زن او را قهرمان زندگی خود حساب کند. وقتی تفاوت آن دو که امری طبیعی است پذیرفته شد از هر کدام به اندازه توانایی اش در جایگاه خویش انتظار خواهد رفت. تردیدی نیست که تفاوت‌هایی در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد وجود دارد و همین تفاوت خود به موجب متفاوت بودن وظایف طبیعی و تکالیف و مزایای اجتماعی می شود پس بنا به مراتب مذکور فرقی بین زن و مرد وجود دارد. این فرق به معنای پذیرش پایمال شدن حق زن یا مرد نیست، آنچه موجب پایمال شدن حق زن و مرد می شود تبعیض است. این مطلب که تن و روح زن و مرد تفاوت فاحشی با یکدیگر دارند مورد اتفاق همه دانشمندان علوم طبیعی و روانی است. در نتیجه همین تفاوت فاحش حاجات و مقتضیات زندگی، هدف‌ها، امتیازات و تخصص هر یک از آنها نیز مختلف خواهد بود. با این حال قائل شدن حقوقی مساوی به این دو عنصر متفاوت مبنی بر واقعیت وجودی انسان‌ها نیست، لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی زن و مرد عدم تشابه آنها در پاره‌ای از حقوق است و آنچه در قوانین وجود دارد در حقیقت تفاوت است و نه تبعیض و بی عدالتی. بی عدالتی آن است که در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان بین افراد فرق گذاشته شود ولی تفاوت آن است که در شرایط نامساوی فرق گذاشته شود.

تساوی شخصیت زن و مرد با تشابه کامل حقوق آنان ملازمه ندارد و عدالت همواره مقتضی تشابه نیست. روح قرآن و اسلام دعوت به عدالت است و عدالت از اهداف و مبانی احکام اسلام محسوب می شود که در قرآن کریم و سنت سیره معصومین(ع) بر آن تاکید فراوان شده است. البته باید اذعان داشت نه تنها در اسلام بلکه در مکاتب دیگر نیز بین زن و مرد فرقی موجود است که انکارناپذیر است و این فرق نه تنها موجب ظلم و بی عدالتی الهی در حق آنها نیست بلکه خلقت آن دو نیز بوده یعنی خلقت آن دو این کفایت را طلب می کند، یعنی اگر این فرق نبود در حق هر یک از آن دو ظلم مضاعفی صورت می گرفت که با این فرق توازن بین آن دو برقرار شده است. اولین فرق در ساختمان جسمی آن دو مشاهده می شود که برای همه مبرهن و آشکار است و دومین فرق در روح و روان و عواطف آنان است که بر همگان محسوس است اما آنچه مایه نگرانی جامعه و اندیشمندان است فرق بین زن و مرد نیست بلکه تبعیض بین آن دو است که بعضاً از روی تجاهل از آن به عنوان فرق یاد می کنند که این تبعیض از دیدگاه اسلام نیز مردود است. جای بسی تاسف است که عده‌ای به طور عمد یا سهو یا خلط مبحث تفاوتی بین تبعیض و فرق قائل نبوده، آن دو را حکم واحد انگاشته و نسخه‌ای واحد می نویسند، لذا لاجرم باید تفاوت کلمات «فرق» و «تبعیض» را دانست. فرق در لغت به معنای جدایی و تفاوت است و در اصطلاح عبارت است از اینکه هر کسی در جایگاه خویش با کسی دیگر فرق دارد. به عبارت دیگر بین دو کس با ویژگی ها و توانایی های متفاوت در جایگاه‌های متفاوت فرق وجود دارد و مقایسه یکسان آن دو امری ناصواب است. اگر به زن تکلیف شود که کارهای سنگین مثل کار در معدن یا انجام خدمت وظیفه یا نفقه شوهر و فرزندان را بر عهده گیرد و در صورت عدم پرداخت نفقه آنان همانند مردان به مجازات محکوم شوند و برعکس (وظایفی که از زنان برمی آید به مرد تحمیل شود) آیا چنین تکالیف شاقی که با جسم و روح هیچ کس از آنان سازگار نیست ظلم به آن دو نیست، چرا که نه زن از نظر توانایی شخصی و جسمی و روحی می تواند کارهای مرد را آن طور که شایسته است انجام دهد و نه مرد می تواند کارهای زن را با ظرافت خاصی که لازم است انجام دهد.

خالق هستی زنان را با التفات جسم و روح از مردان تمیز داده سپس موافق با سازمان جسمی و روحی آنان حقوقی اساسی مقرر داشته و قانونگذار نیز به هنگام وضع قانون و برقراری حقوق و تکالیف برای زن و مرد باید طبیعت آن دو را مورد عنایت تام قرار دهد و به تمامی خواسته‌ها و حوائج ویژه‌شان توجه کند. حقوق امتیازاتی است که اصالت و صحت آن منوط به طبیعت و واقعیت های حیات بشر است. حقوق اعطایی اگر با واقعیت‌ها مطابقت نکند هیچ ارزش و اعتباری ندارد درست اندیشی و انصاف در قانونگذاری این نیست که مثلاً اگر زن در گذشته حقوق محدودی داشته به او حقوقی نامحدود ارزانی شود بلکه چنانچه اشاره شده باید با منظور نمودن واقعیت‌ها و مقتضیات طبیعی و نیازهای اساسی زن را به حق واقعی و طبیعی او رسانید. زن و مرد به عنوان دو صنف از نوع انسان به دلیل اشتراک در سرشت گوهر انسانیت و ارزش‌های انسانی اصولاً از حقوق و تکالیف یکسان برخوردارند. اختلاف حقوق و تکالیف، محرومیت‌ها و معافیت‌ها یک امر فرعی و استثنایی است که هر کدام از آنها از جمله اختلاف در دیه و قصاص در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت.

بیشتر این اختلافات مولود عناوین فقهی و حقوقی خاصی است که هر یک از زن و مرد در خانواده و اجتماع پیدا می کند. زن و شوهر، پدر و مادر و امثال آن مولود زن یا مرد بودن انسان نیست زیرا بیشتر اختلافات حقوقی زن و مرد به نظام حقوقی خانواده بازمی گردد هر چند که برخی از این اختلافات در حقوق اجتماعی ناشی از ویژگی زن یا مرد بودن انسان است. در مواردی هم که در اسلام بین زن و مرد فرق قائل شده طبق مقتضیات فطرت بوده و برخلاف آن نیست.

اگر در جامعه اعمال غیرعادلانه و غیرمنصفانه‌ای نسبت به حقوق مرد و زن مشاهده شود نباید به اعتبار عمل غلط ما مسلمانان حکم عادلانه اسلام مورد خدشه قرار گیرد. با تاکید می توان گفت هر آنچه در جامعه مشاهده می شود عین اسلام نیست بلکه اعمال و رفتار مسلمین است که چه بسا منطبق با دستورات الهی نباشد.

رنج های امروزی زنان ریشه در سنت های اسلامی ندارد بلکه ناشی از تجاوزهای عقیدتی بیگانگان به جوامع اسلامی، نادانی دوستان، بد جلوه دادن اسلام حقیقی و سوءاستفاده سودجویان است. بررسی های دهه گذشته نشان می دهد که تنها مسبب این رنج و بدبختی واژه‌هایی به نام برابری است. زنان غرب در واقع برده آزادی خود شده‌اند. آنها توسط حلقه آزادی محاصره گشته‌اند در حالی که حلقه زندگی را از دست داده‌اند. مونا شارن نویسنده آمریکایی در مقاله‌ای تحت عنوان اشتباه فمینیست ها می نویسد: «آزادی زنان برای ما افزایش درآمد، سیگار ویژه زنان، حق انتخاب برای تنها زیستن و تشکیل خانواده یک نفره، ایجاد مراکز بحران تجاوز، عشق آزاد و زنان متخصص بیماری های زنان را به ارمغان آورد ولیکن در ازای آن چیزی را به غارت برده که خوشبختی بسیاری از زنان در گرو آن است و آن وجود همسر و خانواده است.»

■ **حقوق زن در قانون اساسی**

اولین قانون اساسی در سال ۱۲۸۵ هـ. ش همگام با نهضت مشروطه خواهی نوشته شد. متن اولیه قانون اساسی دارای ۵۱ اصل بود و به وسیله صدراعظم وقت و چند نفر از رجال آن عصر که طرفدار اقتدار بی حد و حصر مقام سلطنت بودند و چند نفر از نمایندگان دوره اول مجلس که از حکومت ملی و حقوق ملت جانبداری می کردند و چند نفر مترجمین قانون اساسی دیگر کشورها تدوین شد و به امضای مشیرالدوله صدراعظم وقت، محمدعلی میرزا ولیعهد و مظفرالدین شاه رسید گرچه تلاش تدوین کنندگان وضع قانونی جامع و مفید به حال ملت بود اما در هر حال این قانون بری از نقص نبود، لذا متمم آن نیز مشتمل بر ۱۰۷ اصل در سال ۱۲۸۶ هـ. ش تصویب گردید و بعداً مشمول اصلاحاتی شد. این قانون در مورد نمایندگی زنان در مجلس سنا، شورای ملی و ماموریت های سیاسی ساکت بود و رسیدن به مقام سلطنت را صرفاً حق مرد شناخته بود. با از بین رفتن حکومت شاهنشاهی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، ضرورت تدوین قانون مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران و تعیین کننده ارزش های الهی و حاکمیت قوانین و نیل به استقلال در زمینه‌های مختلف و حفظ حقوق همه اقشار کشور وجود داشت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور تمام انگیزه‌ها و اهداف و شعارهای صاحبان مذهب و تنها سند مبین اصالت این انگیزه‌ها و شعارها است و حاصل پیام های قائد عظیم الشان جهان اسلام امام خمینی(ره) است. چنانکه در زمان تدوین این قانون فرمودند: «قانون اساسی باید ۱– حافظ و حامی حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت و دور از تبعیض های ناروا باشد. ۲– پیش بینی نیازها و منافع نسل های آینده باید چنان باشد که مد نظر شارع مقدس اسلام است. ۳– صراحت و روشنی داشته باشد. ۴– صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای دیگر نهضت های اسلامی را داشته باشد.» بررسی های نهایی قانون اساسی در ۲۸ مردادماه ۱۳۵۸ با حضور ۷۳ نماینده مجلس خبرگان و ۶۷ جلسه علنی طی مدت سه ماه انجام شد.

جای گرفتن عنوان زن در مقدمه و متن قانون اساسی بیانگر اهمیت و نگرش ارزشی تدوین کنندگان این قانون به نقش زن و مسئولیت های خطیر او است. تصریح به اصل مساوات و برابری زن و مرد در کلیه شئون زندگی و برخورداری آنها از حمایت‌های یکسان قانونی از جمله وجوه امتیاز این قانون نسبت به قانون اساسی مشروطه به حساب می آید. در بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی تامین حقوق همه جانبه افراد، اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون مورد توجه قرار گرفته. اصل دهم در خصوص خانواده است و اصل بیستم همه افراد ملت اعم از زن و مرد را یکسان در حمایت قانون قرار داده و از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار کرده، اصل بیست و یکم طی پنج بند حقوق زن را با دقت خاصی تصریح کرده است.

خبرها

درخواست کانون وکلا برای بازگشت استادان حقوق بازنشسته به دانشگاه

ایسنا: کانون وکلای دادگستری مرکز در بیانیه‌ای با اظهار تاسف از بازنشستگی اساتید دانشگاه ها، از اولیای آموزش عالی دانشگاه تهران خواست که در تصمیم خود تجدیدنظر کرده و باز هم از وجود این مفاخر علمی در جایگاه آموزش و تحقیق استفاده کنند. در ادامه این بیانیه با اظهار تاسف عمیق همه اعضا از بازنشستگی استادان به ویژه بازنشستگی استادان رشته های علوم انسانی از آن میان اساتید دانشکده حقوق عنوان شده است: «در اینکه هر خدمتگزار دستگاه دولت با مدت زمان معینی از خدمت، باید بازنشسته شود بحثی نیست. این حکم قانون است و قابل احترام برای همه ولی مطلعیم برای مسئولان آموزشی مربوط اعم از دانشگاه و وزارت علوم این اختیار وجود دارد که با وجود رسیدن استاد به سن بازنشستگی از بازنشسته کردن وی خودداری کنند یا به ادامه خدمت استاد در دانشگاه تداوم بخشند.» کانون وکلای دادگستری مرکز، با اینکه مطلقاً تمایلی به ورود در وظایف دیگران ندارد و در حد وسواس از مداخله در این امر پرهیز می کند، خاطرنشان کرده است: وظیفه خود می داند از لحاظ اجتماعی و فرهنگی از بازنشسته کردن این ذخایر علمی و آموزگاران دانش و تجربه که به معنویت و معارف کشور و مردم مربوط می شود و دانشجویان و دانش پژوهان را از منابع فضیلت و معرفت محروم می سازد اظهار تاسف کند. شکی نیست با این اقدام این بیم و نگرانی برای همگان به وجود خواهد آمد که دانشگاه از اساتید فاضل و مجرب خالی و ساحت علم و کمال در معرض سقوط و هبوط قرار گیرد. در ادامه تاکید شده است: جامعه وکلای دادگستری مرکز که دانشکده حقوق را خانه خود می داند و به تعالی آن سخت علاقه مند است و چه درگذشته و چه در حال از آموزه های این گنجینه های دانش و معرفت مستفید و بهره مند بوده و هست از اولیای محترم آموزش عالی دانشگاه تهران می خواهد که در تصمیم خود تجدیدنظر کرده و بازهم از وجود این مفاخر علمی در جایگاه آموزش و تحقیق استفاده کنند. بدون تردید همه علاقه مند به آموزش عالی و دانشگاه از این اقدام خرسند خواهند شد.

معاون رئیس دادگستری تهران: در مورد زنان قانون گذاری و فرهنگ سازی شود

ایسنا: قضات زن در احراز پست های قضایی مشکلاتی دارند در حالی که حضور زنان می تواند در ارتقای کارایی دستگاه قضایی موثر باشد. رباب قادری وقاری که درباره موانع اشتغال زنان در پست های قضایی سخن گفته است، عنوان کرد: «اکنون بانوان ما بیشتر به عنوان مشاور دادگاه های خانواده کار می کنند اما راکد شدن در یک سمت امکان شکوفایی استعدادهای زنان را از آنها می گیرد. برای پرورش این استعدادها باید امکان پیشرفت، ترقی و تعالی به وسیله اعطای پست هایی که قانون مجاز دانسته است به زنان داده شود.» وی در ادامه حل ریشه‌ای مشکلات را در اصلاح قوانینی که اکنون وجود دارد دانسته و افزود: «همه مشکلات به وسیله قانونگذاری حل نمی شود بلکه نیمی از مشکلات با فرهنگ سازی صحیح حل می شود و این وظیفه وسایل ارتباط جمعی است.»

تکنوکیت
Tecnokitchen ITALY
تکنوگاز
Tecnogas
مادرم بهترینها را برایت آرزومندم
روزت مبارک

هدیه
خریداران تکنوگاز

با مراجعه به نمایشگاههای ذیل و خرید بیش از سه میلیون ریال
یک دستگاه «مولتی کوکر ۱۳۰C» هدیه بگیرید.
مهلت تا پایان تیرماه ۸۵
نمایشگاه شریعتی: ۲۲۸۵۴۶۷۷ ● نمایشگاه فاطمی: ۸۸۹۶۳۸۹۶ ● نمایشگاه حافظ: ۶۶۷۰۲۰۳۳
روابط عمومی تهران: ۸۸۰۴۹۸۸۱
دفتر مرکزی خدمات پس از فروش: تهران ۸۸۴۴۸۸۴۵ – ۸۸۰۳۰۸۶۰ (خط ویژه)